



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه مطالعات
امنیت و پیشرفت
I.S.D.S

شکاف‌های پایدار در جامعه صهیونیستی و مسئله انسجام اجتماعی

ابرا‌رنگار ۱۶۱ | مرداد ۱۴۰۴

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت

پژوهشکده ابرار معاصر تهران



شکاف‌های پایدار در جامعه صهیونیستی و مسئله انسجام اجتماعی

ابراونگار ۱۶۱

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت
پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۴۰۴

شکاف‌های پایدار در جامعه صهیونیستی و مسئله انسجام اجتماعی

تدوین و انتشار: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۴

تلفن و دورنگار: ۸۸۹۱۲۴۳۶-۸۸۹۰۱۹۵۷

نشانی اینترنت: www.tisri.org

تیراژ: محدود

خلاصه مدیریتی

رخدادهای اخیر به‌ویژه تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران، چه تأثیری بر روند رضایت اجتماعی در جامعه صهیونیستی گذارده است؟ آیا می‌توان این برآورد را طرح کرد که حمله رژیم به خاک جمهوری اسلامی ایران، بر روند انسجام اجتماعی در داخل جامعه صهیونیستی تأثیر پایدار گذاشته است؟ بر اساس نظرسنجی‌ها، اکثریت یهودیان در سرزمین‌های اشغالی از حمله اسرائیل به ایران و زمان آن رضایت داشته و از آن حمایت می‌کنند. در حالی که ۸۲ درصد از یهودیان این حمایت را ابراز داشته‌اند، اکثریت عرب‌های فلسطینی ۱۹۴۸ ساکن در سرزمین‌های اشغالی با حمله و همچنین زمان آن مخالف بوده‌اند.

طبق یافته‌های نظرسنجی‌های اخیر، از زمان حمله رژیم به ایران، اعتماد عمومی به نهادهای نظامی و سیاسی شامل نخست‌وزیر، ارتش، دولت، نیروی هوایی، موساد، رئیس ستاد ارتش، وزیر دفاع و... افزایش قابل توجهی داشته است.

انسجام اجتماعی در جامعه صهیونیستی پس از حمله به ایران بالا رفته است اما این میزان پس از حمله گسترده به نوار غزه، به صورت چشمگیری کاهش یافته بود. در واقع این افزایش میزان انسجام اجتماعی در دوره پس از جنگ دوازده روزه را باید در مقایسه با کاهش آن پس از جنگ نوار غزه، تبیین کرد.

اکثریت جامعه یهودی در سرزمین‌های اشغالی در مسئله‌هایی نظیر چگونگی برخورد ارتش این رژیم با غیرنظامیان در نوار غزه، چگونگی پایان یافتن جنگ با نوار غزه، خدمت سربازی حریدی‌ها و نگاه افکار عمومی بین‌المللی به اسرائیل دچار اختلاف هستند.

به نظر می‌رسد احساس ناامنی برآمده از عملیات هفتم اکتبر که در میان یهودیان به میراث مانده، در حکم یک ترومای جمعی، عمل کرده و به رهبران این رژیم این امکان را می‌دهد که سیاست‌های نظامی حداکثری خود را با پشتوانه همبستگی اجتماعی برآمده از این ترومای جمعی به پیش ببرند.

مقدمه

رژیم صهیونیستی در چند سال اخیر با شدت و دامنه نمایان تری، با تنش‌های درونی و بی‌ثباتی‌های مختلف سیاسی و اجتماعی مواجه بوده است. در حالی که مسئله اصلاحات قضایی، نه تنها جامعه صهیونیستی بلکه کارگزاران سیاسی را دوپاره کرده بود و شکاف‌های جامعه را به صورت اعتراض‌ها و تظاهرات خیابانی، اعتصابات و نافرمانی‌های مدنی در سطوح مختلف نمود داده بود، رخداد هفتم اکتبر به وقوع پیوست.

ناتوانی دولت از بازگرداندن اسرای اسرائیلی که در جریان عملیات طوفان الاقصی به نوار غزه منتقل شده بودند، به رغم کشتار و تخریب بی‌سابقه علیه جان و مال فلسطینی‌ها شامل غیرنظامیان، به موج جدیدی از دو پارگی‌های سیاسی - اجتماعی و اعتراض‌های گسترده علیه دولت به‌ویژه نخست‌وزیر این رژیم انجامید. معترضان که طیف گسترده‌ای از اقشار اجتماعی و جناح‌های سیاسی را شامل بودند، نخست‌وزیر رژیم را برای بی‌مسئولیتی در قبال جان اسرای باقیمانده در نوار غزه و تداوم جنگ بدون نتیجه ملموس در خصوص اسرا، متهم می‌دانستند. این روند به گونه‌ای بود که بسیاری از تحلیل‌گران این رژیم، کاهش مقبولیت حزب حاکم یعنی لیکود را در آرای عمومی پیش‌بینی کرده بودند. پس از روند نافرجام تصویب قانون سربازی حریدی‌ها و احتمال فروپاشی دولت و انتخابات زودهنگام، شکست نتانیاهو و حزب وی، بسیار محتمل دانسته می‌شد. در مقابل این دوپارگی‌ها و اعتراض‌های گسترده، بنیامین نتانیاهو همچنان راهبرد خود مبنی بر حملات

گسترده و اعمال بالاترین فشارهای نظامی به اعضای محور مقاومت را دنبال کرده است. فشارهای نظامی بر مردم نوار غزه با وجود فجایع حقوق بشری پس از بیش از یک سال از عملیات اکتبر، همچنان ادامه دارد. جنگ با حزب الله لبنان و در آخرین اقدام، تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران و حمله به مراکز نظامی و راهبردی در کنار به شهادت رساندن فرماندهان عالی رتبه نظامی و تعداد قابل توجهی از غیرنظامیان، ادامه این راهبرد نظامی است که نخست وزیر رژیم در مواجهه با طیف گسترده نارضایتی های داخلی به پیش برده است. مسئله آن است که آیا این سیاست توانسته رضایت اجتماعی از سیاست های حزب حاکم و شخص نخست وزیر رژیم را افزایش دهد یا خیر. این گزارش تلاش می کند ابعاد این پرسش را واکاوی کند و به این بپردازد که رخدادهای اخیر به ویژه تجاوز رژیم به خاک جمهوری اسلامی ایران، چه تأثیری بر روند رضایت اجتماعی در جامعه صهیونیستی گذارده است. آیا می توان این برآورد را طرح کرد که حمله رژیم به خاک جمهوری اسلامی ایران، بر روند انسجام اجتماعی در داخل جامعه صهیونیستی تأثیر پایدار گذاشته است؟

انسجام اجتماعی و چالش های آن در رژیم صهیونیستی

جامعه صهیونیستی از پیچیدگی های بسیاری برخوردار است. این پیچیدگی ها بیش از همه برآمده از چگونگی استقرار و تأسیس این نظام سیاسی است. فرایند مهاجرت یهودیانی که برای قرن ها در مناطق مختلف جهان زندگی می کردند، تحت تأثیر سنت ها، فرهنگ های محلی و زبان های مختلف بودند و در مدت کوتاهی در نتیجه گسترش ایده بازگشت به صهیون، در یک جا گرد آمدند، آبستن تنش ها و شکاف های بسیار بوده است. در پی این گردهم آیی

غیرمعمول و ناسرشتانه، تقابل‌های درونی شدیدی در شاکله هویتی یهودیان به وجود آمده است. مفاهیم دینداری یهودی در مقابل سکولاریسم یهودی قرار گرفته؛ معنای یهودی‌بودن؛ چگونگی تعریف یهودیان به عنوان یک جمعیت واحد؛ نحوه سازماندهی آنان در چارچوب یک دولت که هم یهودی باشد و هم دموکراتیک؛ چگونگی فهم هویت یهودی و بسیاری دیگر از مسائل، بنای شکاف‌های دینی، اجتماعی و سیاسی در جامعه اسرائیل که بر ثبات اجتماعی این رژیم اثرگذاری بالایی داشته را بنیان گذاشته است.

اگر ثبات اجتماعی را به معنای پیوندهای معنادار میان اعضای یک جامعه در نظر بگیریم که بستر همکاری و همدلی را در شرایط مختلف بحرانی یا غیر آن پدید می‌آورد، باید گفت که این شکاف‌ها در بستر موقعیت‌ها و موضوع‌های مختلف، گاه تبدیل به چالش‌های هویتی چشمگیری در میان ساکنان سرزمین‌های اشغالی شده و ظرفیت آن را داشته که ثبات اجتماعی رژیم را با تهدیدات بسیاری مواجه کند. بحران اصلاحات نظام قضایی در سال ۲۰۲۳، یکی از بارزترین چالش‌های هویتی در تاریخ سیاسی این رژیم بود که انسجام اجتماعی این رژیم را در موقعیت بحرانی قرار داد. آنچه در نگاه نخست به جامعه صهیونیستی پدیدار می‌شود آن است که انسجام اجتماعی همواره در موقعیت‌های مختلف، متأثر از چهار شکاف مهم فعال مذهبی، قومی، سیاسی و متراکم اکثریت- اقلیت در جامعه صهیونیستی است.

• **شکاف مذهبی:** یهودیان در رژیم صهیونیستی در چهار گروه مذهبی جای می‌گیرند. خریدی‌ها یا اولترارتدوکس‌ها (افراط‌گرایان مذهبی)، داتی‌ها یا مذهبی‌ها، ماسورتی‌ها یا سنتی‌ها و هیلونی‌ها یا سکولارها این چهار دسته هستند. دو سر این طیف، یعنی اولترارتدوکس‌ها و سکولارها در دو جامعه اجتماعی مجزا از یکدیگر زندگی می‌کنند و از هرگونه تعامل و

پیوند با یکدیگر اجتناب می‌کنند. این پرهیز از یکدیگر به گونه‌ای است که یهودیان سکولار در اسرائیل تعامل با غیریهودیان را به هرگونه پیوند با یهودیان ارتدوکس ترجیح می‌دهند. در واقع جدا از اینکه عرب‌ها، یهودیان، دروزی‌ها و مسیحیان روابط دوستی و خانوادگی خود را اکثراً درون گروهی پیش می‌برند، چهار شاخه اصلی یهودی‌ها نیز به روابط برون‌گروهی تمایلی ندارند. مواضع این چهار شاخه درباره بسیاری از مسائل سیاست عمومی نظیر ازدواج، طلاق، تغییر مذهب، خدمت سربازی، تفکیک جنسیتی و حمل‌ونقل عمومی با یکدیگر در تضاد و متفاوت است. یهودیان حریدی و داتی (که هر دو عموماً ارتدوکس تلقی می‌شوند) بر این باورند که دولت اسرائیل باید اعتقادات و ارزش‌های مذهبی را ترویج کند، در حالی که یهودیان سکولار به شدت طرفدار جدایی دین از سیاست هستند. در واقع، آنها بر سر نقشی که دین باید در زندگی عمومی ایفا کند، عمیقاً با هم اختلاف دارند. این مسئله چگونگی مواجهه نظام سیاسی با اصول دموکراتیک و قوانین یهودی (هالاخا) از نگاه این دو دسته را متفاوت از یکدیگر کرده است. در حالی که سکولارها معتقدند که اگر روند دموکراتیک تصمیم‌گیری در نظام سیاسی با قوانین هالاخا تداخل پیدا کرد، اصول دموکراتیک باید بر قوانین دینی ارجحیت داشته باشد، سهم بزرگی از یهودیان افراطی ارتدوکس قوانین هالاخا را در اولویت قرار می‌دهند. از این رو هویت یهودی برای هر کدام از این دو گروه، تعریف جداگانه‌ای دارد. ارتدوکس‌ها «هویت یهودی» را مبتنی بر مذهب تعریف می‌کنند، در حالی که یهودیان سکولار، هویت یهودی را نه یک موضوع مذهبی، بلکه در پیوند با خون (اصل و نسب) و/یا فرهنگ می‌دانند. اکثر یهودیان سکولار ابتدا خود را اسرائیلی و سپس یهودی ادراک می‌کنند، اما اکثر یهودیان

ارتدوکس (حریدی و داتی) ابتدا خود را یهودی و سپس اسرائیلی می‌بینند. بر این اساس، اکثریت ارتدوکس‌ها (حریدی‌ها و داتی‌ها) گرایش به رسمی‌شدن قوانین مذهبی یهودیت یا همان هالاخا دارند و در مقابل، سنتی‌ها و سکولارها با تبدیل هالاخا به عنوان قانون رسمی اسرائیل مخالفند.

• **شکاف قومی:** جدا از رویکرد مذهبی، یهودیان در رژیم تقریباً به طور مساوی بین دو هویت قومی تقسیم می‌شوند: یهودیان اشکنازی (با ریشه‌های نژادی در اروپای مرکزی و شرقی) و یهودیان سفاردی یا میزراحی (با ریشه‌های نژادی در اسپانیا، اطراف مدیترانه یا خاورمیانه). هرچند در این تنش قومی - هویتی نباید از یهودیان اتیوپی تبار یا جامعه بتای اسرائیل^۱ که البته از نسبت کمتری در مقایسه با دو گروه قومی اصلی در اسرائیل برخوردارند، غافل شد. حریدی‌ها و سکولارها بیشتر متعلق به یهودیان اشکنازی هستند، در حالی که داتی‌ها و ماسورتی‌ها بیشتر به عنوان یهودیان سفاردی/ میزراحی معرفی می‌شوند. اشکنازی‌ها تقریباً سکولار، متعلق به طبقه متوسط به بالا و به اصطلاح طبقه ممتاز به شمار می‌آیند و فرصت‌های شغلی و رفاهی بیشتری همچون مسکن را به خود اختصاص داده‌اند، سفاردی‌ها از لحاظ اقتصادی با چالش‌های بیشتری

۱. یهودیان اتیوپی یا بتا اسرائیل در اواخر قرن بیستم به رژیم صهیونیستی مهاجرت کردند. پس از آنکه خاخام‌ها هویت بتا اسرائیل را یهودی تشخیص دادند، در سال ۱۹۷۷ قانون بازگشت در قبال آنها اعمال شد. از این رو این رژیم و آمریکا عملیات مهاجرت یا به اصطلاح «عالیا» به سرزمین‌های اشغالی را در مورد این جامعه یهودی بر عهده گرفتند. عملیات‌های «برادران» در سودان بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۰ (شامل عملیات موسی و عملیات جاشوا یا یوشع و عملیات سلیمان از آدیس بابا در دهه ۱۹۹۰ برای مهاجرت دادن این گروه‌های یهودی به انجام رسید و در حدود ۲۰ هزار یهودی به اسرائیل مهاجرت داده شدند.

مواجهند و در رده پایین‌تری از اشکنازی‌ها قرار دارند (Bronner, 2023). این مسائل تبدیل به زخم‌هایی شده که رد اثر آن در سیاست‌های هویتی این گروه نمود داشته و از همین رو، بستر دیگری برای تنش‌های هویتی در جامعه صهیونیستی را فراهم کرده است.

• **شکاف سیاسی:** یکی دیگر از گروه‌بندی‌های اجتماعی در میان یهودیان اسرائیل، بر اساس رویکرد آنها در قبال عرب‌های اراضی ۴۸، اراضی اشغالی بعد از ۱۹۶۷ و طرح دودولتی شکل گرفته است. «ایده اخراج عرب‌ها از اسرائیل» و «همزیستی مسالمت‌آمیز میان اسرائیل و یک کشور مستقل فلسطینی» و نیز تا حدود کمتری «شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری»، مسائلی است که هویت سیاسی یهودیان رژیم صهیونیستی را معلوم می‌کند و آنها را در موضع راست، میانه یا چپ قرار می‌دهد. در واقع باید گفت مسئله فلسطین شکاف‌های عمیقی در جامعه صهیونیستی ایجاد می‌کند. چپ و راست دیدگاه یکدیگر درباره این موضوع را اشتباه و خطرناک توصیف می‌کنند، به گونه‌ای که به تعبیر یکی از فعالان و نویسندگان صهیونیست «دو جناح درباره هرگونه پیشبرد این موضوع فلج سیاسی شده‌اند». راست‌ها تحقق خواسته چپ‌ها برای عقب‌نشینی از سرزمین‌های فلسطینی را تضعیف اسرائیل، کوچک‌شدن آن و جداسدن از میراث تاریخی‌اش می‌پندارند. چپ‌گراها نیز پیامد ادامه اشغال نظامی و غیرنظامی سرزمین‌های فلسطینی در کرانه باختری را درماندگی اخلاقی و انزوای بین‌المللی می‌دانند. با اینکه جناح راست لیبرال- سکولار بر اشغال به عنوان راهی برای تأمین امنیت متمرکز بود، راست مذهبی سرزمین‌های اشغال شده پس از ۱۹۶۷ را موهبت، نعمت و معجزه الهی تعریف می‌کند. پس از انتفاضه اول، روایت مذهبی‌ها بر ایده‌های لیبرالی راست‌گراها، غلبه

پیدا کرد. در همین حال روایت چپ‌ها که در دهه ۱۹۸۰ بر ایجاد دولت رفاه و صلح با همسایگان عرب به‌ویژه فلسطینی‌ها متمرکز شده بود، به تدریج تضعیف و با ریزش حامیان خود مواجه شد چراکه پس از انتفاضه (به‌ویژه انتفاضه دوم)، امید به صلح از طریق مذاکره مبتنی بر اعتماد و حسن‌نیت از باور عمومی رخت بر بسته بود. این مسئله به روایت راست‌گراها اعتبار بیشتری بخشید و چرخش به راست در صحنه سیاسی رژیم را موجب شد. پس از این چرخش احزاب چپ که خواستار پایان دادن به اشغال‌گری «به هر قیمتی» بوده‌اند، در اقلیت قرار گرفتند. حال آنکه جناح میانه‌رو که خود را حامی صلح از طریق راه‌حل دودولتی در کنار امنیت اسرائیل می‌دانند، جایگاه محکم‌تری در سپهر انتخاباتی رژیم داشته است.

• **شکاف اکثریت - اقلیت:** مهمترین چالش هویتی در رژیم صهیونیستی به شکاف یهودیان با اقلیت‌های عرب ۴۸ بازمی‌گردد. این شکاف را از آن رو که شامل جنبه‌های مختلف دینی و مذهبی، قومی، زبانی، تاریخی و نیز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که بر یکدیگر بار شده و هم را تقویت می‌کنند، می‌توان از گونه شکاف‌های متراکم دانست. این چالش گاه وضعیت بحرانی به خود گرفته است، به گونه‌ای که ابعاد آن در پی شکست مذاکرات صلح با فلسطینی‌ها و نیز وقوع انتفاضه الاقصی در سال ۲۰۰۰ تشدید شد. رویدادهایی نظیر انتفاضه که از یک سو حس ناسیونالیستی یهودیان را تقویت و از سوی دیگر حس بیگانگی و به‌حاشیه‌رانده‌شدگی عرب‌ها به مثابه اقلیت در قبال اکثریت را عمیق‌تر می‌کند، این چالش را به مرزهای بحران نزدیک می‌کنند (Ghanem, 2016: 779). عرب‌های ۱۹۴۸ به مسلمانان (۸۲ درصد)، مسیحیان (۹ درصد) و دروزی‌ها (۹ درصد) تقسیم می‌شوند. همانگونه که گفته شد عرب‌ها نه تنها یک گروه قومی

(مذهبی، زبانی و فرهنگی)، بلکه به عنوان بخشی از مردم فلسطین و ملت عرب یک اقلیت ملی با پیوندهای محکم با سرزمین و آرزوهای مشخصی برای تعیین سرنوشت خود به شمار می‌آیند. البته در این میان باید خصیصه‌های بادیه‌نشینان به عنوان یک گروه متمایز فرهنگی در میان عرب‌های ۴۸ را نیز در نظر گرفت. بادیه‌نشینان‌ها که عمدتاً در صحرای نقب ساکن هستند، ۱۵ درصد از عرب‌های ساکن در اسرائیل را تشکیل می‌دهند (در حدود ۳۰۰ هزار نفر) و از نظر فرهنگی با فلسطینی‌ها متمایز هستند. بادیه‌نشینان کمتر درگیر مسئله فلسطین هستند و جنس مسائل آنها با دولت یهود، بر اساس مسائل خاص این گروه‌ها و متمایز از مسائل اصلی جامعه عرب ۴۸ است.^۱

آخرین برآوردها از میزان انسجام اجتماعی در جامعه صهیونیستی

در یک ماه اخیر، چند نظرسنجی مهم از نهادهای مختلف منتشر شد که در آنها بر رویکرد جامعه صهیونیستی در مورد تحولات و روندهای رژیم تمرکز شده بود. مهمترین نظرسنجی که در روزهای اخیر پایه بسیاری از تحلیل‌ها قرار گرفته، از سوی «مرکز خانواده ویتربی برای افکار عمومی و تحقیقات سیاستگذاری در مؤسسه دموکراسی اسرائیل»^۲ انجام شده است. بر اساس یافته‌های این نظرسنجی که پس از حمله رژیم به جمهوری اسلامی ایران در ۱۵ تا ۱۷ ژوئن (۲۶ تا ۲۸ خرداد ۱۴۰۴) به انجام رسیده، عنوان می‌شود که

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: احمدی، وحیده (۱۴۰۲)، رژیم صهیونیستی؛ بی‌ثباتی سیاسی و چالش‌های امنیتی (مجموعه مقالات)، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۲۶-۵۳.

2. the Viterbi Family Center for Public Opinion and Policy Research at the Israel Democracy Institute

اکثریت یهودیان اسرائیل از حمله رژیم به ایران و زمان آن رضایت داشته و از آن حمایت می‌کنند. در حالی که ۸۲ درصد از یهودیان این حمایت را ابراز داشته‌اند، اکثریت عرب‌های فلسطینی ۱۹۴۸ ساکن در سرزمین‌های اشغالی با حمله و همچنین زمان آن مخالف بوده‌اند. مخالفان حمله و زمان آن در میان یهودیان از طیف چپ سیاسی رژیم بوده‌اند. اکثریت یهودیان تصمیم نتانیا‌هو مبنی بر حمله به ایران را مبتنی بر انگیزه‌های امنیتی و عینی برآورد کرده‌اند، در حالی که از نظر عرب‌های ۱۹۴۸ انگیزه نتانیا‌هو، سیاسی و غیرواقعی بوده است. تاب‌آوری از دیگر متغیرهایی بوده که در این نظرسنجی بر آن تمرکز شده است. بر اساس یافته‌های این نظرسنجی، اکثریت یهودیان ساکن در سرزمین‌های اشغالی (از هر سه طیف سیاسی چپ، راست و میانه)، برآورد بالایی از تاب‌آوری جامعه صهیونیستی دارند. با این حال، اکثریت آنها از امنیت خود و خانواده‌هایشان، ابراز نگرانی کرده‌اند. همچنین در حدود سه چهارم از یهودیان بر این نظر بوده‌اند که نباید رنج غیرنظامیان در ایران را در برنامه‌ریزی‌های ادامه جنگ، دخیل دانست. در حدود یک چهارم از عرب‌ها با این نظر موافق بوده‌اند. همچنین اعتماد به ترامپ به عنوان حامی اسرائیل، به سطح بالاتری از قبل رسیده و اکثر یهودیان به‌ویژه طیف راست و میانه با این گزاره که اسرائیل یکی از ملاحظات اصلی ترامپ است، همسو بوده‌اند. نکته دیگر این نظرسنجی که اکثر یهودیان (به‌ویژه از طیف راست و میانه) نگاه یکسانی به آن داشتند، همدلی با حمله اسرائیل به ایران حتی بدون قصد صریح آمریکا برای مشارکت در حمله بود. این در حالی است که تا پیش از حمله اخیر رژیم به اسرائیل، بیشتر یهودیان حمله به ایران بدون حمایت و مشارکت آمریکا را درست نمی‌دانستند. (Hermann et al., 2025).

یکی دیگر از نظرسنجی‌های مهم مربوط به مؤسسه مطالعات امنیت ملی

اسرائیل بود که از زمان حمله رژیم به نوار غزه، به طور منظم نظرسنجی‌های افکار عمومی را برای ارزیابی نگرش‌ها در قبال مسئله‌های کلیدی امنیت ملی، تاب‌آوری ملی و اعتماد عمومی در میان یهودیان سرزمین‌های اشغالی انجام داده است. آخرین نظرسنجی که این مؤسسه در تاریخ ۲۶ تا ۲۷ خرداد (۱۵ تا ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵) انجام داده، یافته‌های مهمی درباره رویکرد جامعه صهیونیستی به نظام سیاسی این رژیم را در خود دارد. بر این اساس، از زمان حمله رژیم به ایران، اعتماد عمومی به نهادهای دفاعی و سیاسی شامل نخست‌وزیر، ارتش، دولت، نیروی هوایی، موساد، رئیس ستاد ارتش رژیم، وزیر دفاع و... افزایش قابل توجهی داشته است. در این نظرسنجی نیز، اکثریت مردم (۷۳ درصد) از حمله به ایران حمایت کرده‌اند و ۱۸ درصد با آن مخالف بوده‌اند. تعداد کسانی که این باور را دارند که اهداف جنگ غزه تا حدود زیادی یا به صورت کامل محقق می‌شود، پس از حمله رژیم به ایران افزایش داشته و همچنین درک عمومی درباره تقویت همبستگی اجتماعی افزایش داشته است. حمایت از پایان جنگ غزه نیز در میان ساکنان این رژیم افزایش چشمگیری داشته است. طبق یافته‌های این نظرسنجی، مهمترین منبع اطلاع‌رسانی که یهودیان به آن اعتماد داشته و خبرها را از آن دنبال می‌کردند، «برنامه فرماندهی جبهه داخلی» بوده که بیش از ۵۳ درصد از ساکنان سرزمین‌های اشغالی به آن رجوع کرده‌اند (Deitch et al., 2025).

نظرسنجی آگام لایز نیز تا حدود زیادی، یافته‌های بالا را تأیید می‌کند. بر اساس این گزارش، ۴۶ درصد از اسرائیلی‌ها موافق ادامه حملات به ایران حتی بدون حمایت آمریکا بودند. بیش از ۹۰ درصد نیز از حملات هوایی به تأسیسات هسته‌ای حمایت کردند. ۵۱ درصد نیز مدعی شده‌اند که رخداد حمله به ایران، انسجام اجتماعی را بالا برده است (Benson, 2025).

در حالی که بر اساس این سه نظرسنجی، انسجام اجتماعی در جامعه صهیونیستی پس از حمله رژیم به ایران بالا رفته است اما این میزان پس از حمله گسترده به نوار غزه، به صورت چشمگیری کاهش یافته بود. در واقع این افزایش میزان انسجام اجتماعی در دوره پس از جنگ دوازده روزه را باید در مقایسه با کاهش آن پس از جنگ نوار غزه، تبیین کرد. از سوی دیگر اکثریت جامعه یهودی در سرزمین‌های اشغالی در مسئله‌هایی نظیر چگونگی برخورد ارتش این رژیم با غیرنظامیان در نوار غزه، چگونگی پایان یافتن جنگ با نوار غزه، خدمت سربازی خریدی‌ها و نگاه افکار عمومی بین‌المللی به اسرائیل دچار اختلاف هستند.

طبق نظرسنجی که «مؤسسه سیاست مردم یهود»، در چهارم تیرماه منتشر کرده، اکثر ساکنان سرزمین‌های اشغالی (۵۷ درصد) بر این اعتقادند که وقتی عملیات نظامی در نوار غزه پایان یابد، حماس نیرویی خواهد بود که همچنان بر این منطقه حکومت خواهد کرد، چه با نام فعلی خود چه با نامی دیگر. راست‌گراها طیفی هستند که بر سقوط حماس از قدرت باور دارند و چپ‌ها در این باره، مرددند. بیشتر افراد چپ‌گرا، چپ میانه و میانه‌رو در مورد احتمال تبدیل رژیم به یک کشور منفور در غرب، بسیار نگرانند. در مقابل، نیمی از پاسخ‌دهندگان راست‌گرا در مورد این مسئله «اصلاً نگران نیستند». همچنین در حالی که یک هشتم (۱۲ درصد) از ساکنان سرزمین‌های اشغالی «کاملاً اطمینان دارند» که «اسرائیل در حال پیروزی در جنگ است یا پیروز شده است»، یک چهارم (۲۴ درصد)، در این مورد «اصلاً مطمئن نیستند». افراط‌گرایان دینی بیشترین اقبال اجتماعی هستند که باور به پیروزی رژیم در جنگ داشته‌اند. درباره وضعیت سربازی خریدی‌ها، اوضاع پیچیده‌تر و شکاف‌ها بیش از همه مسئله‌های دیگر بوده است. تنها درصد کمی از

اسرائیلی‌های غیرحریدی از معافیت کامل مردان حریدی که حمایت می‌کنند. سکولارها بیشترین سهم را در این مخالفت دارند. همچنین بر اساس این نظرسنجی، اکثر ساکنان سرزمین‌های اشغالی (۷۹ درصد) (از همه طیف‌های سیاسی) نگران وضعیت انسجام اجتماعی در این رژیم هستند. در میان عرب‌های ۴۸ این سهم کمتر است. چپ‌گراها بیش از راست‌ها در این باره ابراز نگرانی می‌کنند. طبق یافته‌های این نظرسنجی، تمایل به همسوسدن سیاست کلی با دیدگاه‌های شخصی، حتی به قیمت از دست رفتن انسجام اجتماعی در مقایسه با قبل، افزایش داشته است. ارتدوکس‌های افراطی، بیشترین تمایل را برای اولویت دادن باورهای خود بر سیاست‌های کلی داشته‌اند. این موضوع در کاهش محسوس تمایل به مصالحه در خصوص روابط اسرائیل و فلسطین با هدف حفظ انسجام اجتماعی مصداق بارز داشته است. در حالی که یهودیان این رژیم، شکاف راست و چپ را مهمترین مسئله انسجام اجتماعی در این رژیم می‌دانند، عرب‌ها بر شکاف یهودی - عرب به عنوان محوری‌ترین تنش مؤثر بر انسجام اجتماعی دست می‌گذارند. سهم کسانی که شکاف سکولار- مذهبی را مهمترین شکاف رژیم عنوان کرده‌اند، در مقایسه با نظرسنجی‌های پیش از این، کاهش داشته است (JPPI, 2025).

اختلافات درونی و چالش‌های انسجام اجتماعی

نظرسنجی‌های مختلف حاکی از آن است که انسجام اجتماعی در رژیم صهیونیستی پس از حمله به خاک جمهوری اسلامی ایران افزایش یافته است. شاید بتوان گفت این رایج‌ترین واکنش جمعی به یک رخداد نظامی در یک موجودیت سیاسی است. هنگامه جنگ برای اغلب ملت‌ها، با برانگیختگی احساسی ویژه‌ای همراه است؛ تلفیقی از غرور حماسی و شوق و رضایت درونی

از حس زنده‌بودن و زنده‌ماندن، موجب می‌شود افراد یک جامعه در برهه‌ای حتی موقت، در جریان جنگ‌ها به دور از شکاف‌ها و اختلافات، با یکدیگر تعامل و احساس نزدیکی کنند. از این رو افزایش انسجام اجتماعی در جامعه صهیونیستی پس از جنگ با ایران و با توجه به دستگاه تبلیغات عریض و طویل رژیم که به وسیله آن بر پیروزی و ازمیان‌برداشتن تهدیدات از جانب ایران، تمرکز می‌شود، روندی قابل پیش‌بینی و معمول بوده است. مهم‌تر آنکه ترومای جمعی یهودیان پس از عملیات هفتم اکتبر، بستر تأثیرگذار دیگری برای این برانگیختگی احساسی و افزایش انسجام اجتماعی ایجاد کرده بود. هیمنه اسرائیل به عنوان تنها پناه‌گاه امن برای یهودیان پس از عملیات هفتم اکتبر از هم پاشیده شد و این باور که ارتش و سایر سازمان‌های امنیتی، سر بزنه‌گاه فرا رسیده و امنیت یهودیان را در هر شرایطی حفظ می‌کنند، از بین رفت. در واقع احساس ناامنی برآمده از عملیات هفتم اکتبر که در میان یهودیان به میراث مانده، در حکم یک ترومای جمعی، عمل کرده و به رهبران این رژیم این امکان را می‌دهد که سیاست‌های نظامی حداکثری خود را با پشتوانه همبستگی اجتماعی برآمده از این ترومای جمعی به پیش ببرند (Saliaka, 2025).

با این همه، مسئله‌هایی که انسجام اجتماعی در این رژیم را با چالش مواجه می‌کنند، همچنان حضور پررنگی دارند. هرچند این ادعا که همه آنها تبدیل به بحران شده‌اند یا در آینده نزدیک، بحران‌سازی خارج از معمولی دارند را نمی‌توان فرض گرفت. سیستم، برای جلوگیری از این بحران‌سازی سال‌هاست که برنامه‌های مختلفی را به اجرا گذاشته است. از این رو تصویرکردن مسئله‌های اجتماعی به بحران‌های اجتماعی در این رژیم با واقعیت موجود همخوانی ندارد.

حضور افراط‌گرایان صهیونیست‌مذهبی در لایه اول هیئت حاکمه این رژیم، یکی از مهمترین موانع بر سر راه افزایش پایدار انسجام اجتماعی است. آنها اغلب مانع هر طرح و ایده‌ای می‌شوند که مصالحه و تفاهم اجتماعی را بالا ببرد. در حالی که مطالبه برای آتش‌بس با حماس با هدف بازگرداندن اسرا، در سطح بالایی در جامعه صهیونیستی وجود داشته اما وزرای صهیونیست مذهبی، همواره دولت را تهدید به سقوط و فروپاشی ائتلاف در صورت پیشبرد این گزینه کرده‌اند. در واقع راست‌گراهای افراطی، کمترین آمادگی را برای انعطاف و مصالحه بیشتر در ازای افزایش انسجام اجتماعی دارند. جنجال اصلاحات قضائی مصداقی از مصالحه‌ناپذیری راست‌گراهای افراطی حتی به قیمت از بین رفتن انسجام اجتماعی بود. خروج بن‌گور از دولت و تهدید اسموتریچ به فروپاشی ائتلاف پس از آتش‌بس بهمن گذشته با حماس و شکست دوباره روند بازگرداندن اسرا، نه تنها بر چگونگی پیشبرد امور تأثیر گذاشته بلکه بر شمار معترضان و مخالفان با دولت افزوده است. کما اینکه در روزهای آغازین جنگ غزه، همبستگی اجتماعی به صورت ملموسی افزایش یافته بود، با این حال، در پی سیاست‌های این چینی و شکست عملیات بازگشت اسرا، نتوانست دوام چندانی داشته باشد. یورش افراط‌گراهای صهیونیست به سربازان ارتش رژیم در کرانه باختری و در شهرک‌های صهیونیست‌نشین، مصداق دیگری از آفت افراط‌گرایان صهیونیست در این جامعه است. حمله به سربازان ارتش به گونه‌ای بود که اسموتریچ را ناگزیر به موضع‌گیری کرد. هرچند وی نیز حاضر به محکومیت این دسته نشد و تنها بر این نکته که «آنها بر خط قرمز پا گذاشته‌اند»، بسنده کرد (Ben Kimon, 2025).

سوی دیگر افراط‌گرایان صهیونیست مذهبی، خریدی‌های افراطی قرار دارند

که آنها نیز به شیوه خود، انسجام اجتماعی در رژیم را به چالش می‌کشند. برای چندمین بار، خواست خریدی‌ها برای معافیت از سربازی، دولت را در آستانه فروپاشی قرار داده و بحث و جدل اجتماعی بر سر این مسئله را دوباره در صدر قرار می‌دهد. پایداری این مسئله، نشان می‌دهد که نمی‌توان انتظار مصالحه‌ای فراگیر در این حوزه را کشید. نبود هیچ‌گونه تفاهمی در این باره، دوپارگی موجود میان مذهبی‌ها و سکولارها را در جامعه صهیونیستی یادآوری می‌کند. هرچند مسئله این معافیت‌ها سال‌هاست که در اولویت چالش‌های اجتماعی قرار داشته، اما در طول جنگ غزه سویه‌های جنجال‌برانگیزتری پیدا کرد زیرا رژیم بیشترین تلفات میدانی خود را در دو سال اخیر متحمل شد و ارتش به نیروهای بیشتری نیاز داشت. حال آنکه خریدی‌ها در این برهه نیز حاضر به هماهنگی خود با این چالش نشدند.

جدا از همه این موضوعات، مسئولیت نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و سیاسی در جریان عملیات هفتم اکتبر، هنوز واکاوی نشده است. جامعه صهیونیستی خشم خود را همچنان در لابلای تحولات سریع و جنگ‌های مداومی که رژیم به راه می‌اندازد، پنهان کرده و فرصتی برای بروز آن پیدا نکرده است. بدیهی است بررسی کاستی‌ها و ضعف‌های نهادهای امنیتی و اطلاعاتی که عملیات هفتم اکتبر را به دنبال آورد، راست‌ها و چپ‌ها را با شدت بیشتری رودرروی یکدیگر قرار می‌دهد.

تمام این موضوعات را باید در کنار انتقاد بین‌المللی گسترده از عملکرد رژیم در نوار غزه به حساب آورد. نباید از تأثیرگذاری یهودیان مخالف جنگ در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی بر انسجام اجتماعی غفلت کرد. مسئله جنگ در نوار غزه و فجایعی که بازنمایی می‌شود، بستر حاصل‌خیزی برای جدل اجتماعی پدید آورده است. نگاه خودانتقادانه یهودیان در خارج از

مرزهای سرزمین‌های اشغالی و حتی در درون آن، پیامدهای بلندمدتی بر احساس انسجام اجتماعی در این رژیم خواهد داشت. موسیقی اعتراضی، فیلم، ویدئو، تظاهرات و... علیه جنایات اسرائیل در نوار غزه، بیش از هر چیزی همبستگی اجتماعی و هویت یهودی - اسرائیلی را نشانه رفته است؛ به‌ویژه آنکه مسئله فلسطین همچنان حل‌ناشده‌ترین مسئله این رژیم است.

نتیجه‌گیری

افزایش اختلافات داخلی در درون رژیم صهیونیستی در ماه‌های گذشته، دولت را تا آستانه فروپاشی و انتخابات زود هنگام جدید پیش برد. مطالبات افراط‌گرایان خریدی مبنی بر تصویب قانون معافیت سربازی و تهدید احزاب مذهبی برای خروج از دولت، این اختلافات را به نقطه بحرانی رسانده بود. احتمال انحلال کنست و پیش‌بینی شکست نتانیا‌هو در انتخابات جدید همزمان با نزدیک شدن دادگاه پرونده فساد وی، به یکباره با حمله به ایران روند دیگری پیدا کرد. با اینکه بسیاری از تحلیلگران تضعیف جایگاه حزب لیکود و شخص نتانیا‌هو در افکار عمومی را تخمین می‌زدند، نظرسنجی‌ها از افزایش حمایت جامعه صهیونیستی از حمله به ایران و ارتقای جایگاه نتانیا‌هو خبر دادند. این در حالی است که اختلافات درونی رژیم همچنان پابرجاست. رقبای نتانیا‌هو از دولت وی به نام یک دولت سمی یاد می‌کنند که باید هر چه زودتر جایگزین شود تا بتوان بن‌بست جنگ غزه و بازگشت اسرا را حل کرد. نتانیا‌هو همچنان ابقای خود را در کارت ائتلاف و همراهی با احزاب راست‌گرای افراطی و مذهبی می‌بیند. وی راهبرد خود را در دمیدن بیشتر در آتش جنگ می‌داند. بودجه جنگ این رژیم آن چنان بالا رفته که وزارت دفاع و وزارت دارایی را به چالش با یکدیگر سوق داده است. نتانیا‌هو بر آن است به

هر طریق ممکن ننگ وقوع عملیات غافلگیرکننده هفتم اکتبر را از پیشانی خود پاک کند. منتقدان وی و احزاب مخالف فوریت آزادی اسرا را بر جنگ ارجح می‌دانند. مهم آن است که هنوز پس از گذشت دو سال از جنگی که نتانیاهو برای اعاده حیثیت خود به راه انداخته، نه تمام گروگان‌ها آزاد شده‌اند، نه ننگ این شکست عملیاتی بر چهره او پاک شده است.

منابع

1. Ben Kimon, Elisha (2025), Smotrich Criticizes IDF As Intital Investigation Finds Troops 'Did Not Conduct Live Fire In The Area', <https://www.ynetnews.com/article/bkhzfhaex#autoplay>
2. Benson, Pesach (2025), Poll Reveals Stark Jewish-Arab Divide Over Israel's War With Iran, <https://tps.co.il/articles/poll-reveals-stark-jewish-arab-divide-over-israels-war-with-iran/>
3. Deitch, Mora, Idit Shafran Gittleman, Anat Shapira, Abir Gitli, Nitsan Prayzler (2025), The Israeli Public And The Campaign Against Iran: Survey Results- June 2025, <https://www.inss.org.il/publication/survey-june-202>
4. Hermann, Tamar, Lior Yohanani, Yaron Kaplan, Inna Orly Sapozhnikova (2025), Flash Survey: 70% of Israelis Support the Decision to Attack Iran | Segmentation Shows Strong Support Among Jewish Israelis (82%) While Most Arab Israelis Oppose The Operation , <https://en.idi.org.il/articles/59726>
5. JPPI (2025), JPPI Israeli Society Index – June 2025: The Day After The War In Gaza, <https://jppi.org.il/en/24146-2/>
6. Saliaka, Ioanna (2025), Crisis And Cohesion: Understanding The Rally-Around-The-Flag Effect Through The Israeli Experience, <https://strategyinternational.org/2025/06/19/publication185>



«پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت» به منظور پاسخگویی به بخشی از نیازهای پژوهشی کشور در راستای تولید شناخت جامع از محیط امنیت ملی، پاسخگویی به نیازهای پژوهشی و مطالعاتی، انجام پژوهش‌های کاربردی و استقرار سیاست‌های پژوهش‌مبنا و تقویت فرآیند سیاستگذاری و حکمرانی کشور با رویکردی علمی و راهبردی تأسیس شد.

این مرکز در حال حاضر با چهار پژوهشکده «مطالعات راهبردی»، «ابرار معاصر تهران»، «مطالعات حکمرانی فرهنگی و اجتماعی» و «علوم و فناوری‌های نوظهور» در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیت بین‌الملل و فناوری‌های نوظهور مشغول به فعالیت است.